

تضمین‌های حقوق بشری در رابطه فرد با نهادهای اجرایی افغانستان

نگارنده: دکتر سید حسین حسینی^۱

چکیده

در نظام حقوقی افغانستان، نهادهایی در داخل قوای سه‌گانه و بیرون از آن وجود دارند، که یکی از کارویژه‌های اساسی آن‌ها، تضمین حقوق شهروندی و حمایت از آن است. در افغانستان، دو نهاد اجرایی برای تضمین حقوق بشری افراد وجود دارد: پولیس و سارنوالی؛ پولیس به‌عنوان یکی از عوامل اجرایی دولت، وظایف و تکالیف بی‌شماری دارد، که یکی از وظایف اصلی آن، حمایت از حقوق مردم است؛ بدین ترتیب، حفظ نظم عمومی، جلوگیری از وقوع جرم، کمک‌رسانی و تأمین آسایش و امنیت افراد، از وظایف پولیس به‌شمار می‌رود. سارنوالی با تشکیل و صلاحیت بیش‌تر از گذشته امروز به‌عنوان یک ارگان مهم در راستای تأمین عدالت و تطبیق قانون برای خدمت‌گزاری مردم تلاش می‌کند.

یافته‌های این تحقیق، که با مواد کتابخانه‌یی و با روش توصیفی - تحلیلی بهره‌جسته‌است، بیان‌گر این است که: تحقق تضمین‌های حقوق بشری افراد توسط پولیس، به‌عنوان حامی حقوق مردم و سارنوالی به‌عنوان تأمین‌کننده عدالت می‌باشد، نشان‌دادن کارکردهای اساسی این دو نهاد اجرایی در جهت تضمین حقوق بشر برای مردم در افغانستان است.

واژه‌گان کلیدی: پولیس، سارنوالی، حقوق بشر، تضمین، نهادهای اجرایی و

افغانستان.

^۱ عضو هیئت علمی پوهنځی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون غالب هرات

مقدمه

حقوق بشر، متضمن حقوقی است که از ماهیت ذاتی برخوردار است؛ این حقوق وابسته به افراد، زمان، مکان و یا شرایط خاصی نیستند و صرف‌نظر از ملیت، نژاد، جنسیت، رنگ، مذهب، زبان یا سایر وضعیت‌های دیگر، به تمام انبای بشری تعلق دارند. هدف حقوق بشر، حمایت از حیثیت و کرامت افراد است.

تضمین حقوق بشر در مرحله نخست، از طریق قواعد حقوقی تبیین‌کننده این حقوق تأمین می‌گردد. این اقدام در قالب تنظیم و تصویب اسناد بین‌المللی و مقررات داخلی به انجام رسیده، تا راه دخالت و تعرض دولت و افراد را به این حقوق مسدود نماید؛ علاوه بر این، حقوق مورد بحث از طریق نظام حقوقی در قلمرو بین‌المللی و داخلی تضمین می‌شود.

منطق اقتدار حکومتی، انتظام امور و برقراری نظم و امنیت در جامعه است، که در نتیجه اعمال آن، محدودیت‌هایی برای آزادی‌ها ایجاد شده و منافع فردی، تحت‌الشعاع منافع عمومی قرار می‌گیرد؛ از این رو، به‌منظور حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های عمومی، تضمین‌های متنوعی در نظام‌های ملی و بین‌المللی پیش‌بینی و تعبیه شده است. در یک نظام مردمی، تفکیک قوا، یک سازوکار مناسب برای جلوگیری از فساد ناشی از تمرکز قدرت است؛ زیرا، اجرای اصل یادشده از طریق استقرار نظارت قوا بر روی یک‌دیگر، زمینه‌ساز تضمین حقوق و آزادی‌های افراد است. تنوع روابط گوناگون فردی، اجتماعی و سیاسی و درک و پذیرش توسعه فرهنگ دموکراسی، مستلزم شیوه‌های متنوعی در نظام‌های داخلی و بین‌المللی است (هاشمی؛ ۱۳۸۴: ۲۳۴).

حاکمیت روی کرد حقوق بشری بر فضای افغانستان بعد از اجلاس «بن» و سقوط طالبان، سبب شد مقررات مربوط به تضمین‌های قانونی حقوق مردم، پُررنگ مطرح و بر تعداد آن‌ها افزوده شود و بسیاری از قوانین با این روی کرد، تدوین و تصویب گردد. این روی کرد و به رسمیت‌شناخته‌شدن تمهیدات و تضمین‌های قانونی حقوق مردم، گام نخست برای اجرایی‌شدن حقوق بشر در افغانستان به شمار می‌رود، که این مرحله با تدوین و پیش‌بینی مقرراتی _ هرچند ناقص _ پیموده شده است.

پیشینه مطالعاتی این تحقیق، کتاب قاسم علی صداقت (راه کارهای تضمین حقوق شهروندی در فقه اسلامی و قوانین افغانستان)، حسین غلامی (مبانی حقوق و تطبیق عدالت جزایی در افغانستان) و غلام حیدر علامه (اصول راه‌بردی حقوق کیفری) می‌باشد. نوآوری این تحقیق، نشان‌دادن و پُررنگ‌نمودن مباحث حقوق بشری و تضمین آن برای حمایت از مردم و تحقق عدالت در جامعه می‌باشد.

هدف این تحقیق این است تا به این سؤال پاسخ دهد که: برای تضمین‌های حقوق بشری افراد در افغانستان، چه نهادهای اجرایی در نظر گرفته شده است و کارکردهای آن‌ها چه‌گونه این هدف را تأمین می‌کند؟ این تحقیق از لحاظ ابزار، کتاب‌خانه‌یی است و با روش توصیفی - تحلیلی شکل گرفته است.

به‌طور کلی در افغانستان دو نهاد اجرایی برای تضمین حقوق بشری افراد وجود دارد: پولیس و سارنوالی؛ پولیس یکی از نهادهای حکومتی است، که در کشورها از طریق آن‌ها می‌توان قوانین را اجرا کرد. وظیفه اساسی این نهاد، حفاظت از حقوق مردم، نظم اجتماعی، تأمین اقتدار عمومی و مقابله با انواع بی‌نظمی است. سارنوالی نیز جزو قوه اجرائیه و در اجراءات خود مستقل می‌باشد. تحقیق جرایم و اقامه دعوا علیه متهم در محکمه از طرف سارنوالی، مطابق به احکام قانون صورت می‌گیرد. سارنوالی امروزه به‌عنوان یک ارگان مهم در راستای تأمین عدالت و تطبیق قانون برای خدمت‌گزاری مردم تلاش می‌کند.

در ارتباط به تضمین، باید گفت: در لغت به معانی متعدد به‌کاررفته است؛ از قبیل ضمانت‌کردن و متعهدشدن به انجام کاری یا تهیه چیزی (انوری؛ ۱۳۸۳: ۳۱۶)؛ برخی صاحب‌نظران، معانی متعدد دیگری برای آن ذکر کرده‌اند؛ مثل چیزی را به ضمان دادن، پذیراندن، تاوان دادن، غرامت‌دادن کسی چیزی را، در پناه و جای آوردن، در پناه خود آوردن، در میان چیزی قراردادادن و در ظرف قراردادادن (عمید؛ ۱۳۸۰: ۴۰۰)؛ معادل انگلیسی واژه تضمین، لغت «گارانته» است، که به معنای تضمین کردن، ضمانت کردن، تعهد کردن و تعهددادن آمده است. در اصطلاح، به معنای «تعهد یک فرد یا دولت برای اقدام به عملی یا اجرای حقی یا تأمین خسارت وارد به دیگری» آمده است (بخشی و افشاری؛ ۱۳۸۳: ۳۸۳).

۱. صلاحیت‌های پولیس و حقوق افراد

پولیس در افغانستان، که جزو ساختار حکومت (قانون پولیس افغانستان؛ ماده ۲ و ۳) و مجری احکام آن است و در انجام صحیح و دقیق وظایف دولت از جمله حفظ کرامت انسانی، حمایت از حقوق بشر، تحقق دموکراسی و تأمین وحدت ملی نقش مهمی دارد (قانون اساسی افغانستان؛ ماده ۶). انجام وظایف مهم حکومتی از جمله «اجرای احکام قانون اساسی و سایر قوانین و فیصله‌های قطعی محاکم» و «تأمین نظم و امن عامه و از بین بردن هر نوع فساد اداری» (قانون اساسی افغانستان؛ ماده ۷۵: بند ۱ و ۳)، جز با حمایت پولیس، امکان‌پذیر نیست.

التزام پولیس به رعایت حقوق مردم و حقوق بشر در برخورد با مردم، یکی از مهم‌ترین پایه‌های دموکراسی و تضمین احترام به حقوق افراد در جامعه است (غلامی؛ ۱۳۸۵: ۲۶۹). حمایت از حقوق

اساسی مردم، مندرج در قانون اساسی، تضمین رعایت اخلاق حسنه بر مبنای احکام اسلام و قانون موضوعه، از وظایف پولیس در افغانستان است؛ به طور کلی از وظایف اصلی پولیس، تضمین حقوق مردم و اجرایی کردن آن است؛ در همین راستا، برخی از وظایف پولیس را می‌توان چنین بر شمرد:

۱-۱. حفظ امنیت عمومی و فردی

اولین وظیفه پولیس، تأمین و حفظ نظم و امنیت عمومی است (قانون پولیس؛ ماده ۵؛ بند ۱)؛ در بند ۲ ماده پنجم این قانون، تأمین امنیت فرد و اجتماع و حراست از حقوق و آزادی‌های قانونی آنها نیز جزو وظایف و تکالیف پولیس تلقی شده‌اند (قانون پولیس؛ ماده ۵؛ بند ۲)؛ برای مثال، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن، جزو حقوق سیاسی مردم افغانستان است، که اجرایی شدن این حق در عمل ممکن است با محدودیت‌هایی روبه‌رو شود. در این صورت پولیس باید از تضییع حقوق نامزدان و انتخاب‌کنندگان جلوگیری کند یا امنیت دانش‌آموزان مدارس برای رفتن به مدرسه و مکتب جهت تحصیل به خطر افتد. پولیس باید امکان دسترسی افراد را به مکتب و تحصیل فراهم کند و امنیت راه‌ها را برای رفت‌وآمد مردم بدون خطر جانی و مالی فراهم سازد (قانون پولیس؛ ماده ۵؛ بند ۲). یکی از مهم‌ترین روش‌های تأمین نظم و امنیت عمومی، جلوگیری از وقوع جرم است. این در حالی است که از بین بردن احتمال وقوع جرم امکان‌پذیر نیست و در جامعه‌ی، درصدی از جرم رخ خواهد داد (غلامی؛ ۱۳۸۵: ۲۸۷)؛ پولیس ملزم است در جهت حفظ امنیت مالی و جانی شهروندان، تمهیدات لازم را برای جلوگیری از ارتکاب جرم فراهم سازد.

۲-۱. حمایت از ارزش‌های عمومی جامعه

این وظیفه، ناظر به مبارزه پولیس با انحرافات اخلاقی و اعمالی است، که آسایش عمومی را مختل می‌کند؛ بدین ترتیب، پولیس وظیفه نظارت بر فعالیت مردم و گروه‌ها، نظارت بر اماکن عمومی، مراقبت از رفت‌وآمد عمومی، کنترل ول‌گردی، و به طور کلی نظارت بر رعایت اخلاق حسنه، آرامش و آسایش عمومی را به عهده دارد؛ به‌ویژه در افغانستان، که کشور اسلامی است و یکی از وظایف پولیس باید حفظ ارزش‌های اجتماعی و عمومی اسلامی باشد؛ از این رو، شورای علمای افغانستان، پیش‌نهاد تأسیس و ایجاد نهاد امر به معروف و نهی از منکر و پولیس آن را داده است. در این پیش‌نهاد بر برخورد با آزادی رسانه‌ها در پخش رقص و آواز زنان، کنترل پوشش زنان و دختران و ممنوعیت مصرف مشروبات الکلی و امثال آن تأکید شده است (<http://majdliye.blegfa.com/post-26.aspx>).

۳-۱. وظایف مربوط به حالت اضطرار و حوادث غیرمترقبه

در شرایطی مثل سیل، زلزله، توفان‌های شدید و امثال آن، وظیفهٔ پولیس از یک طرف، نظارتی است، و باید اوضاع را کنترل کند و از طرف دیگر، جنبهٔ خدماتی و حمایتی دارد. اقدامات پولیس را دربارهٔ حوادث غیرمترقبه به دسته‌های مختلف می‌توان تقسیم کرد:

اقدامات ناظر به جلوگیری یا کاهش نتایج منفی این حوادث (قانون پولیس؛ مادهٔ ۵: بند ۱۱)؛ کمک‌رسانی به آسیب‌دیده‌گان از حوادث غیرمترقبه برای فراهم کردن دسترسی آنان به امکاناتی؛ مانند غذا، محل اسکان، پوشاک و تا حد امکان نجات اموال و دارایی‌های آن‌ها (همان: بند ۱۲)؛ ضرورت تأمین نظم و امنیت عمومی در زمان وقوع حوادث غیرمترقبه به دلیل امکان وقوع جرایم شدید و مهم، بیش‌تر احساس می‌شود. وظیفهٔ پولیس در این شرایط، جلوگیری از وقوع جرم و حفظ نظم و امنیت عمومی است (همان: بند ۱۳)؛ حفظ نظم و امنیت عامه در حالت اضطرار نیز از جمله وظایفی است که براساس بند ۱۳ مادهٔ پنجم قانون پولیس بر دوش آن گذاشته شده است. حالت اضطرار از نظر مصداقی به مواردی؛ هم‌چون جنگ، خطر جنگ، اغتشاش و خیم، آفات طبیعی و امثال آن اطلاق می‌شود (قانون اساسی افغانستان: مادهٔ ۱۴۳).

۴-۱. مبارزه با تروریسم و جرایم سازمان‌یافته

برابر بند ۸ مادهٔ پنجم قانون پولیس، یکی از وظایف آن مبارزه با جرایم سازمان‌یافته و تروریسم است، که در شرایط حاضر، از مهم‌ترین چالش‌های حقوق مردم در افغانستان به شمار می‌رود. مبارزه با جرایم سازمان‌یافته و تروریسم، نیازمند اقدامات پولیس بسیار دقیق و هدف‌دار است؛ زیرا، مجرمان جرایم سازمان‌یافته و تروریست‌ها از آخرین تجهیزات و توانایی‌های علمی و تخصصی بهره‌مندند و به واسطهٔ برخورداری از پشتوانهٔ مالی قدرت‌مند در این زمینه، هیچ محدودیتی ندارند. این موضوع به ویژه در افغانستان که با هر دو پدیدهٔ جرایم سازمان‌یافته و تروریسم به شدت درگیر است، اهمیت بیش‌تری دارد.

از یک‌سو، اقدامات پولیسی برای مبارزه با جرایم سازمان‌یافته و تروریسم، طیف وسیعی از تدابیر، از جمله آموزش پولیس تا تجهیز آن به وسایل و امکانات علمی و تخصصی را شامل می‌شود؛ اما با توجه به ماهیت بین‌المللی پدیدهٔ تروریسم، مبارزهٔ صرف کشورها با این جرایم کارساز نیست؛ بنابراین، مبارزهٔ منطقه‌ای و بین‌المللی با این جرایم، یکی از شرایط موفقیت آن خواهد بود (غلامی؛ ۱۳۸۵: ۳۰۲).

در این میان، اهمیت هم‌کاری‌های منطقه‌یی بیش‌تر است. در این مورد، هم‌کاری ایران و پاکستان در موفقیت مبارزه با جرایم سازمان‌یافته، از جمله تروریزم و قاچاق مواد مخدر، نقش سازنده-یی دارد.

در شرایط فعلی، چالش‌های متعددی فراروی حمایت پولیس از حقوق مردم و آزادی‌های اساسی وجود دارد؛ مانند بودجه ناکافی، فساد اداری، کم‌بود نیروی متخصص، برخورداری گروه‌های تروریستی از امکانات مالی و لوجستیکی و توجه ناکافی به ظرفیت‌های ملی پولیس (صداقت؛ ۱۳۹۱: ۲۵۳).

۵-۱. نقش پولیس در رعایت «فرض بی‌گناهی»

پولیس یکی از ارکان مهم برقراری امنیت و آسایش عمومی محسوب می‌شود؛ چنان‌چه پولیس عمل‌کرد اصولی و منطبق با تفسیر صحیحی از قانون نداشته باشد، خود از عناصر کاهش ضریب امنیت خواهد بود.

پولیس، یکی از اصول راه‌بردی نظام قانونی کشور است. امروزه، مهم‌ترین اصل راه‌بردی نظام‌های قانونی، اصل برائت کیفری است، که بیانی دیگر از اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات محسوب می‌شود. از آن‌جا که اقدامات پولیس در یک نظام قانونی، اعم از این‌که در چهارچوب وظایف سازمانی خویش انجام پذیرد و یا این‌که تحت ارشادات دستگاه قضایی باشد، به منزله پی‌ریزی ساختار اولیه جهت تشکیل پرونده اتهامی علیه اشخاص است، این اقدامات نقش بسیار مهمی در حاکمیت‌بخشیدن به فرض بی‌گناهی یا نقض آن ایفا می‌کنند. کشف جرم و تحقیق راجع به آن، تعقیب مجرمان و تهیه گزارش‌های رسمی راجع به وقایع نا‌بهنجار جامعه از اساسی‌ترین وظایف پولیس محسوب می‌شود؛ لذا چنان‌چه دستگاه پولیسی کشور در عمل پای‌بند به اصل برائت کیفری باشد، در ترویج فرهنگ قانون‌مداری یا در حاکمیت‌بخشیدن به امنیت روحی و روانی و احساس امنیت افراد جامعه مهم‌ترین عامل محسوب می‌شود.

دست‌گاه پولیس هر کشور، که تکلیف کشف و تهیه عناصر تشکیل‌دهنده یک پرونده کیفری یا موضوع مستلزم تحقیق را برعهده دارد، می‌تواند در پی‌ریزی یک پرونده اتهامی غیر قانونی و غیر منصفانه، نقش اساسی ایفا کند، به نحوی که حتی دستگاه قضایی به یک روند ناخواسته هدایت گردد؛ بنابراین، آموزش دستگاه پولیسی و امنیتی یک کشور و التزام آن‌ها به اصل برائت کیفری در ترویج و گسترش احساس امنیت افراد جامعه، فرهنگ قانون‌مداری و کاهش هزینه‌ها و کمیت پرونده‌های اتهامی در دستگاه قضایی بسیار حایز اهمیت است (علامه؛ ۱۳۸۹: ۲۴۴).

۲. صلاحیت خارنوال و حقوق افراد

در ماده ۱۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، در مورد تشکیل و صلاحیت سارنوالی چنین آمده است: «کشف جرایم، توسط پولیس، تحقیق جرایم و اقامه دعوا علیه متهم در محکمه از طرف سارنوالی، مطابق به احکام قانون صورت می‌گیرد. سارنوالی جزو قوه اجرائیه و در اجراءات خود مستقل می‌باشد. تشکیل، صلاحیت و طرز فعالیت سارنوالی توسط قانون تنظیم می‌گردد. کشف و تحقیق جرایم وظیفه منسوبان قوای مسلح، پولیس و مؤظفان امنیت ملی، توسط قانون خاص تنظیم می‌گردد»؛ بدین ترتیب، سارنوالی با تشکیل و صلاحیت بیش‌تر از گذشته، امروزه به عنوان یک ارگان مهم در راستای تأمین عدالت و تطبیق قانون برای خدمت‌گزاری مردم تلاش می‌کند.

۲-۱. نقش و وظایف سارنوال در بخش تحقیق جرم

تحقیق جرایم، یکی از جمله وظایف عمده و اساسی سارنوال بوده و جرایمی که در جامعه به وقوع می‌پیوندد، برای تحقیق مرتکبان و تثبیت آن‌ها و اثبات جرم بر آن‌ها باید یک نهاد و شخصی وجود داشته باشد، تا این وظیفه را از نظر تخصصی و فنی به پیش ببرد؛ ازسوی دیگر، اشخاصی که تحت ظن و اتهام قرار گرفته‌اند، با پیروی از اصل براءت ذمه، تحقیق نمایند، که آیا واقعاً اشخاص مظنون و متهم مرتکب جرم گردیده‌اند؛ در این صورت نیز سارنوال وظیفه دارد تا از اتهام غیرقانونی و غیروارد اجتناب کند.

قاعده عام اصل عدالت و این‌که هیچ بی‌گناهی بی‌دلیل تحت مجازات قرار نگیرد و هیچ گناه‌کاری از چنگال قانون فرار ننماید، فقط با تحقیق برآورده می‌گردد.

تحقیق، واژه عربی و به معنای جست‌وجو کردن بوده و در اصطلاح تحقیق بنا بر بند (۲) ماده (۲۳) قانون اجراءات جزایی موقت، چنین تعریف گردیده: «هدف اصلی از تحقیق جنایی، عبارت از کشف حقایق می‌باشد»؛ اگرچه در تعریف فوق اساساً هدف تحقیق اشاره شده؛ لیکن می‌توان از آن استنباط تعریف تحقیق نیز گردد (تحقیق عبارت از رسیدن به حقیقت و متوسل شدن به اجراءات قانونی به هدف رسیدن به حقیقت موضوع می‌باشد).

قیودی که در تعریف قانونی اشاره شد، در آن به نقش سارنوال تحقیق برای رسیدن به کشف حقایق، متوسل شدن به اجراءات قانونی حتمی بوده و از جمله وظایف سارنوالی تحقیق در کشف حقیقت موضوع بوده است، که از بند (۲) ماده (۲۳) قانون اجراءات جزایی موقت چنین فهمیده می‌شود:

سارنوال ابتدائیه به منظور دست‌یافتن به این هدف، حالات ذیل را در نظر می‌گیرد:

۱. ارزیابی همه جوانب و شواهد قضیه؛

۲. آگاهی از ارتکاب جرم و یا عدم آن؛

۳. کشف شخص و یا اشخاص مسؤول.

موارد سه گانه فوق، اهداف اساسی و بنیادی تحقیق را تشکیل می دهد؛ زیرا که رسیدن به حقیقت به جز متوسل شدن خارنوال تحقیق به اهداف سه گانه فوق، امکان پذیر نبوده و این اهداف تحقیق است که سارنوال تحقیق، به اثبات جرم دست می یابد؛ اگرچه این اهداف سه گانه در قانون اجراءات جزایی موقت به طور اجمال ذکر گردیده؛ لیکن مواد دیگری قانونی که در بخش تحقیق آمده، تکمیل کننده آن است.

به ترتیب، که درهدف اول (ارزیابی همه جوانب وشواهد قضیه)، ازجانب سارنوال تحقیق، صورت می گیرد، عبارت از بررسی دلایل الزام و برائت به طور مساوی برای رسیدن به اصل عدالت حتمی است؛ چنانچه بند (۳) ماده (۲۴) قانون اجراءات جزایی موقت را به طور نمونه ذکر خواهیم نمود، که اجراءات سارنوال تحقیق را برای رسیدن به هدف فوق اشاره نموده است.

(سارنوال حین انجام تحقیقات مکلف است دلایل اثباتیه یاتبرئه کننده جرم را علی السویه ارزیابی نموده، منافع اشخاص متضرر را در نظر بگیرد) (قانون اجراءات جزایی؛ ماده ۲۴: بند ۳).

برای توضیح هدف دومی تحقیق، صرفاً باید یادآور شویم که همین سارنوال تحقیق است که بنا برشیوه های مختلف فنی و قانونی، می تواند ثابت نماید که آیا واقعاً جرم واقع شده و یا خیر؟ زیرا اگر جرم واقع نشده باشد، مجازات مشروعیت ندارد. سارنوال تحقیق باید برای رسیدن به این هدف نیز متوسل به اجراءات قانونی تحقیق گردد، تا هدف را به دست آورده، که آیا واقعاً جرم واقع شده و یا خیر.

در هدف سوم نیز به موضوع اساسی اشاره شده، که در جریان تحقیق، سارنوالی به این هدف خویش می رسد و آن عبارت از پیدا کردن اشخاص مسؤول است، که در ارتکاب جرم مسؤولیت دارند؛ چرا که هرگاه شخصی مرتکب جرم گردد، کوشش می نماید تا خود را از چنگ قانون مخفی نماید، تا بتواند از مجازات خلاصی یابد؛ بناءً این سارنوال تحقیق است که او را توسط اجراءات فنی خویش می یابد و دلایل الزام قانونی را علیه او اقامه می نماید، تا بعداً توسط سارنوال تعقیب قضایی به میز محاکمه کشانده شود.

وسایل اساسی اثبات جرم به شرح ذیل آمده است:

شهود، مقابله شهود، شناسایی متهم به طور بالمواجهه در صف، تفتیش محل، تلاشی، ضبط اشیا، ارزیابی و معاینات تخصصی، استنتاج (همان؛ ماده ۳۷: بند ۳)، وسایل اساسی اثبات جرم، که در بالا به ترتیب قانونی ذکر گردیده، از نظر قوت ادله اثباتیه، مقدم تر نسبت به بعدی است و به همین دلیل مقنن آن را به ترتیب ذکر نموده است.

هیئت تحقیق در ختم تحقیقات خویش، باید تصمیم خویش را کتباً اتخاذ نمایند؛ در صورتی که جرم علیه مظنون به وسیله وسایل اساسی اثبات جرم ثابت شود، سارنوال تحقیق در ختم تحقیقات متوسل به ترتیب اتهام‌نامه، مطابق ماده (۱۹) قانون تشکیل و صلاحیت سارنوالی می‌گردد. چنان‌که بند (۱) ماده (۱۹) قانون اجراءات جزایی مؤقت چنین حکم می‌نماید (انتساب اتهام به متهم مطابق به احکام قانون)؛ بنابراین، اگر در ختم تحقیقات، سارنوال تحقیق دریافت نمود، که توجه برای واردنمودن اتهام به متهم، بنابر نبودن دلایل الزام ندارد، در این صورت، پرونده را باید در قسمت همین متهم حفظ نماید؛ چنان‌که در مورد بند (۱) ماده (۳۹) قانون اجراءات جزایی موقت چنین آمده است: «در صورتی که سارنوال در ختم تحقیقات، تشخیص نماید که دلایل موجه و کافی الزام وجود ندارد، می‌تواند دوسیه را حفظ نماید»؛ «محکمه می‌تواند بعد از غور دوسیه، تصمیم سارنوال را تأیید یا رد نماید، و یا برعکس از او تقاضای سپردن ادعانامه (صورت دعوی) را نماید» (همان؛ ماده ۳۹: بند ۲ و ۳).

۲-۲. نقش و وظایف سارنوال در بخش اقامه دعوی جزایی

در میان مباحث، به این نکته اشاره نمودیم، که شاخص اختصاصی وظایف سارنوالی در عرصه عدالت جزایی و یا اصول محاکمه جزایی، دو وظیفه عمده و اساسی بوده، تحقیق جرایم و اقامه دعوی جزایی علیه مرتکبان در پیش‌گاه محاکم؛ از همین جهت است که به سارنوال وصف مدعی‌العموم را قایل هستند و این دو وظیفه مهم سارنوالی در ماده (۱۳۴) قانون اساسی تعیین شده است (تحقیق و تعقیب عدلی).

همین که هیئت تحقیق سارنوالی، اتهام‌نامه را مبنی بر اثبات جرم صادر نمود، قضیه تحت مرحله بعدی قرار می‌گیرد، که عبارت از مرحله تعقیب عدلی و اقامه دعوی جزایی است؛ در این صورت، سارنوال تعقیبی، از نظر قانون تشکیل و صلاحیت سارنوالی دارای وظایف اختصاصی خویش بوده، که در ماده (۲۱) قانون مذکور چنین بیان شده است:

«سارنوال در ساحة تعقیب دعوی جزایی دارای وظایف و صلاحیت‌های ذیل می‌باشد: ۱) تأیید اتهام‌نامه یا قرار مبنی بر ختم دعوی جزایی و در صورت موجودیت خلا و نواقص، اعتراض بر تحقیق و صدور قرار مبنی بر رفع آن؛ ۲) اقامه دعوی جزایی و مطالبه جبران خساره طبق احکام قانون به پیش‌گاه محکمه ذی‌صلاح؛ ۳) اشتراک در جلسه قضایی محکمه ذی‌صلاح، ارائه توضیحات و دفاع ازدعوی که به پیش‌گاه محکمه اقامه گردیده و در صورت عدم موجودیت دلایل الزام انصراف از دعوی جزایی؛ ۴) استدلال در مورد مسایلی که حین رسیدگی قضیه در محکمه ذی‌صلاح مطرح می‌گردد؛ ۵) اعتراض یا قناعت بر فیصله و قرار محکمه ذی‌صلاح».

ماده فوق، صلاحیت‌های سارنوالی تعقیب قضایی را در بخش اقامه دعوی جزایی در ضمن پنج بند، اشاره کرده است؛ اما چون قانون تشکیل و صلاحیت سارنوالی، یک تشکیلات و صلاحیتی در بخش اختصاصی اقامه دعوی جزایی اشاره نموده است، قوانین دیگری در مورد آن نیز صراحت دارد؛ از جمله قانون اجراءات جزایی موقت، که قانون کلی بوده و پروسه محاکمه جزایی را پیش‌بینی می‌نماید؛ به طور نمونه به چند مورد، که در مورد صلاحیت سارنوالی در بخش اقامه دعوی جزایی بحث می‌نماید اشاره می‌شود:

بند (۱) ماده (۵۱) قانون مذکور، در مورد شهود اثبات و نظریات اهل خبره، که از جانب سارنوال به دادگاه جهت اثبات جرم تقدیم می‌گردد، چنین صراحت دارد: «سارنوال ابتدائیه، مکلف است فهرست شهود و اهل خبره مورد نظر را، توأم با صورت دعوا، دلایل شهادت شهود و نظریات اهل خبره به محکمه ارائه نماید».

یا نیز در بند (۱) ماده (۵۳) قانون مذکور، در مورد وظایف سارنوال تعقیبی اقامه دعوی جزایی چنین آمده است: «سارنوال ابتدائیه مکلف است حین رسیدگی قضیه، در جلسه قضایی شرکت نماید؛ اگرچه در بند (۳) ماده (۲۱) قانون تشکیل و صلاحیت سارنوالی، که قبلاً ذکر گردید، جداگانه ذکر نموده است، که سارنوال در جلسه قضایی شرکت می‌نماید؛ اما بند (۱) ماده (۵۳) قانون اجراءات جزایی موقت، که در بالا اشاره شد، توجیه لفظ تکلیف را برای سارنوال ارائه داشته، تا در جلسه قضایی حاضرگردد؛ زیرا که با حضور سارنوال ارکان محاکمه تکمیل می‌گردد، که عبارت از مدعی (سارنوال) مدعی علیه (متهم) و موضوع حکم (قضیه جزایی مورد رسیدگی دادگاه) می‌باشد.

هرگاه سارنوال در حین اقامه دعوی جزایی، در دادگاه حضور فیزیکی نداشته باشد و دادگاه فیصله نماید، چنین فیصله دادگاه مواجه به بطلان می‌باشد. بناءً واضح می‌گردد، که سارنوال در حین اقامه دعوی جزایی در پروسه محاکمه جزایی دارای نقش اساسی و بنیادی است؛ چنان‌که در مورد ماده (۱۵) قانون اجراءات جزایی موقت حکم می‌کند، که هرگاه در اجراءات جزایی حضور سارنوال به‌گونه قانونی لازم می‌باشد و در غیاب سارنوال اجراءات صورت گرفته، مواجه به بطلان بوده و مورد استناد قانونی نخواهد بود (Zestanikzai.blogfa.com/post/27 at 2017/04/16www).

اختیارات دادستان در استفاده از قوای عمومی به منظور طرح و تعقیب دعوا، چنان‌چه منطبق بر موازین دقیق قانونی و در موارد ضروری انجام نپذیرد، نه تنها امنیت و آسایش عمومی را به همراه نخواهد داشت؛ بل که نقض اصل برائت و سلب احساس امنیت عمومی را در پی خواهد داشت. فرض بر این است که مدعی‌العموم ضمن احاطه بر دقایق و ظرایف حقوقی و قانونی با شناختی عمیق و جامعه‌شناسانه از روابط اجتماعی و اصول حاکم بر آن، مصالح واقعی اجتماع انسانی را تشخیص و از طرح دعوی واهی که متضمن نقض اصل برائت است پرهیز می‌کند. وظیفه دادستان در نظارت بر

عمل کرد قضایی بازپرس و کنترل و هدایت دادیاران تحت نظر خویش سهم عمده‌بی را در حاکمیت بخشیدن به اصل برائت کیفری ایفا می‌کند؛ هم‌چنین تکلیف دادستان در نظارت بر عمل کرد نیروهای ضابط قضایی، به‌ویژه نیروی انتظامی، در تقویت و ترویج فرهنگ التزام به اصل برائت کیفری بسیار مؤثر و تعیین کننده است (علامه؛ ۱۳۸۵: ۲۴۵).

نتیجه‌گیری

تضمین‌های قانونی عام و خاص حقوق بشری، اولین گام برای حمایت از حقوق بشر است، که زمینه را برای اجرایی شدن حقوق بشر و حمایت از آن فراهم می‌سازد. سازوکارهای تعیین شده در قانون اساسی؛ مانند تفکیک قوا، حکومت قانون، تجدید نظر قضایی و ... همه‌گی برای تضمین حقوق و آزادی‌های اساسی انسان در زنده‌گی اجتماعی و در پرتو اصل حاکمیت قانون است؛ علاوه بر قانون اساسی _ که مادر قوانین هر کشور است و به طور معمول مهم‌ترین قواعد حقوقی مرتبط با حقوق بشر را در بردارد _ سایر هنجارهای حقوقی نیز در تضمین حقوق بشر حایز اهمیت است. قوانین عادی اگرچه در رتبه پایین‌تر از قانون اساسی قرار دارند؛ اما نسبت به آن کاربرد بیش‌تری داشته و ناظر به عملیات اجرایی است. نظام حقوقی کشور عمدتاً در قالب هنجارها و از طریق اجرای قوانین عادی توسط نهادها و کارگزاران حکومتی تحقق می‌یابد؛ بدین لحاظ در بسیاری از کشورها برای کنترل این قوانین، سازوکار ویژه‌یی پیش‌بینی شده است.

نیروی پولیس یکی از مؤثرترین نیروها در تضمین حقوق بشر یا نقض آن‌ها است. در صورت رعایت حقوق مردم، پولیس از مهم‌ترین ابزارها و عوامل تضمین کننده آن به شمار می‌رود. سارنوالی با تشکیل و صلاحیت بیش‌تر امروزه به‌عنوان یک ارگان مهم در راستای تأمین عدالت و تطبیق قانون برای خدمت‌گزاری مردم تلاش می‌کند. وظایف سارنوالی در عرصه عدالت جزایی و یا اصول محاکمه جزایی دو وظیفه عمده و اساسی بوده، تحقیق جرایم و اقامه دعوای جزایی علیه مرتکبان در پیش‌گاه محاکم از همین است.

سرچشمه‌ها

الف (کتاب‌ها و مقالات

۱. باقری، صادق. (۱۳۸۱). «جای‌گاه دادگاه در نظام قضایی افغانستان». کابل: مجله توسعه. سال اول. شماره ۲ و ۳.
۲. بخشی، علی آقا و مینو، افشاری راد. (۱۳۸۳). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: نشر چاپار.
۳. حسن، انوری. (۱۳۸۳). فرهنگ روز سخن. تهران: سخن.

۴. دانش، سرور. (۱۳۹۱). **حقوق اساسی افغانستان**. چاپ دوم. کابل: انتشارات دانش‌گاه ابن سینا.
۵. دانش، سرور. (۱۳۸۴). **مهم‌ترین مشکلات سد راه نظام عدلی و قضایی**. کابل: ماه‌نامه عدالت، ارگان نشراتی وزارت عدلیه. سال هفتم. شماره ۳۶ و ۳۷ (دلو و حوت).
۶. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). **لغت‌نامه**. ج ۱۵. تهران: انتشارات دانش‌گاه تهران.
۷. زمانی، سید قاسم. (۱۳۹۵). **بیست‌ویک گفتار در حقوق بین‌الملل بشر**. چ اول. تهران: انتشارات خرسندی.
۸. سرابی، احمد قاسم. (۱۳۸۵). **حقوق بشر معیارهای ملی و بین‌المللی حقوقی**. کابل: انتشارات رسالت.
۹. صداقت، قاسم علی. (۱۳۹۱). **راه‌کارهای تضمین حقوق شهروندی در فقه اسلامی و قوانین افغانستان**. چ اول. قم: نشر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(۵).
۱۰. عطائی، حمیدالله. (۱۳۸۸). **افغانستان و حقوق بشر**. کابل: ماه‌نامه عدالت، ارگان نشراتی وزارت عدلیه. شماره ۱۴.
۱۱. علامه، غلام‌حیدر. (۱۳۸۷). **جای‌گاه حقوق بشر در قانون اساسی افغانستان**. چاپ اول. تهران: انتشارات عرفان.
۱۲. _____ (۱۳۸۹). **اصول راه‌بردی حقوق کیفری**. چاپ اول. تهران: انتشارات کتاب همگان.
۱۳. حسن، عمید، (۱۳۸۰)، **فرهنگ عمید**. چ ۲۱. تهران: امیر کبیر.
۱۴. غلامی، حسین. (۱۳۸۵). **مبانی حقوق و تطبیق عدالت جزایی در افغانستان**. کابل: سفارت جمهوری فدرال آلمان.
۱۵. مشتاقی، رامین. (۱۳۸۸). **ره‌نمود ماکس پلانک برای تشکیلات و صلاحیت محاکم افغانستان**. ترجمه حسین غلامی. کابل: ماکس پلانک.
۱۶. مهرپور، حسین. (۱۳۸۸). **سازوکارهای بین‌المللی و میزان بازدارنده‌گی آن‌ها در نقض حقوق بشر**. تهران: فصل‌نامه بین‌المللی روابط خارجی. سال اول. شماره چهارم.
۱۷. هاشمی، سید محمد. (۱۳۸۴). **حقوق بشر و آزادی‌های اساسی**. چاپ اول. تهران: نشر میزان.

ب (قوانین:

۱۸. **قانون اجراءات جزائی مؤقت افغانستان**. مصوب ۱۳۶۲.
۱۹. **قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان**. مصوب ۱۳۸۲.
۲۰. **قانون پولیس افغانستان**. مصوب سال ۱۳۸۸.

ج) انگلیسی:

- 21- Buergenthal, **International Human Rights**, west publication co, U.S.A. 1995.
- 22- R. Grote. "separation of powers in the New Afghan constitution" Heidelberg Journal of International law vol. 64, 2004, P. 897 & 905.
- 23-Noori, Obaid Khan, **Democracy in Afghanistan Challenges and Opportunities**, Afghanistan: www. Zestanikzai.blogfa.com/post/27 at 2017/04/16.
- 24-http://majdliye.blogfa.com/post-26aspx.